

ادامه از صفحه ۹

گریز از انزوای شعر

خب طبیعتاً اگر زمانی که نوجوان بودم و این امکاناتی که الان هست، وجود داشت، حتماً از همان موقع می‌رفتم سمت موسیقی و سینما. یک سال‌هایی بود در دهه ۴۰ که احمد شاملو شب‌های شعر گذاشته بود. شب‌های شعر خوشه و جمعیت زیادی را از تمام این جاذبه کرده بود. خب آن الان دیگر شعر در آن جایگاه نیست. آن زمان همه جایگاه موسیقی و سینما مثل شعر نبود اما امروز این دو (موسیقی و سینما) جایگاه بقیه را گرفته‌اند. بنابراین شما می‌پرسید چه خلای وجود داشت، این خلأ در زندگی من نبود، در بی‌قابلیت شعر نبود، در واقعیت جهان امروز است. به قول یک ستمدن‌ها، جهان دارد همه‌زمان می‌شود. این همه‌زمانی را با شعر پوشش نمی‌دهد، یعنی جفا به معنی ما الان در تلگرام به همه عنوان یک رسانه دنیای امروز نگاه می‌کنید و در دنیوی می‌بینید که همسر آقای ترامپ، دست او را پس زده، و جز شما میلیاردها نفر در سراسر دنیا همه‌زمان این تصویر را دیده‌اند. این همه‌زمانی خاصیت تصویر است. شعر این توانایی را ندارد. سؤال شما بسیار سؤال دقیق، درست و زیبا بود. این عصر، عصر همه‌زمانی است، بنابراین وقتی نیرو و انرژی را برای همه‌زمان دروینایت می‌گذاری، بهتر است برای یک‌بار بگذاری که در دوران این همه‌زمان داشته باشد.

❖ پس می‌توان از اظهار نظر شما نتیجه گرفت که دوره فراگیری شعر تمام شده است؟

یک جوری بله. من در خیلی از کنفرانس‌های جهانی شعر شرکت داشتم. در فرانسه با آندریس و خیلی شاعران مطرح دنیا، شعر شعب داشتیم در آن کوه‌کچه. من از بزرگان کنفرانس سؤال کردم بوم که چرا این شعر خوانده می‌شود؟ در آن کوه‌کچه گذاشتند؛ ایده‌ای زیبا، جالب و جذاب بود. ما هم کنار آن آلفونسو، کنار ورودانه‌ها، و در خیابان‌ها و... من و نستیسیم برای عیاران شعر می‌خواندیم. مسئول کنفره در پاسخ به من گفت می‌خواهیم مردم را با شعر آشتی دهیم و من تعجب می‌کردم که یک آدم فرانسوی دارد این حرف را می‌زند، برای اینکه تصور این بود که مردم اقبال در فرانسه که با شعر قهر نیستند، منتها بعدتر بی‌بردم که مردم با شعر قهر نیستند. منتها شعر دیگر جلوه‌ی صحنه نیست. در دنیا امروز شعر در کنار موسیقی و ترانه شنیده می‌شود. چندی پیش یک فیلم‌ساز ترانه‌ای خواند برای مهاجران و پانده‌گان. خاک اگر این یک شعر بود که فقط قوی کتاب منتشر می‌شد، چند نفر را می‌خواندند؟ اما وقتی با موسیقی همراه شد، چند نفر در سراسر جهان آن شعر را شنیدند؟ تاکید می‌کنم اینجا به معنی بی‌قابلیت و بی‌حرمتی شعر نیست و اصلاً این فراگیری، جزء وظایف شعر جزو کارکردهای شعر نیست، جزء کارکردهای موسیقی و سینما است. یکی از وظایف شعر بعد از ۶۰ سالگی آمدن و ترانه خواندن که البته ادامه ندادند و عمده‌ای است که ادامه هم داده چون به سمت سینما کشیده شدم، همین نگرش من به مقوله شعر، سینما و موسیقی بود.

حالا که مدتی است بازیگری و سینما برایتان جدی شده، این مشغله تازه بر فعالیت شاعریتان سایه نینداخته است؟

این هم در سؤال جالبی است، نه، نه. مطلقاً. شعر دیگر جزئی از من شده است، شعر در درون آدمی هست و شعر او می‌کند. یک دوره ابتدایی آن که هنوز دارد آدم را آماجش می‌کند، जब این مرحله دور می‌گذرد، یک دوره یافتن زبان و پیچیدگی و... از این مرحله هم بگذری، اگر کارت تداوم پیدا کند و به آن مرحله سوم برسی، دیگر شعر جزئی از تو می‌شود و مثل حرف زدن و سایر روضه‌های می‌شود. یعنی من تقریباً هر روز و هر شب شعر می‌گویم. که البته همه آنها خوب نیست. بعضی‌ها را کار می‌کنم و بعضی‌ها را پاره می‌کنم. شعر جزئی از من است، جزئی از تاملات و زندگی من، یعنی شما وقتی یک کلمه را می‌گویید، آن کلمه در ذهن من تبدیل به شعر می‌شود. چند روز قبل آقای عباس مخبر در شهرک محل سکونت‌مان قدم می‌زدیم، یک درخت کهن‌سالی بود که از پایشان چند تا جوانه درآمده بود، رو به آقای مخبر گفتم نوه‌کان این درخت را ببینید، دیدن این جوانه‌ها به شکل نوه‌های آن درخت کهن‌سال، از ذنبت شعری من می‌آید. می‌خواهم بگویم شعر بخشی از تگرش و زندگی من شده است. تلاشی برای شعر گفتن نمی‌کنم؛ اگر چه همیشه نمی‌توان شعر گفت. اما با شعر با وجود من مزوج شده است، برای همین هم امروز یکبار شعر شاعر من خصوصاً تر از گذشته است و هیچ علاقه‌ای ندارم که کتابی تازه چاپ کنم. شعرا را دارم برای خودم جمع می‌کنم و نگه می‌دارم.

همکاری با آقای علیقلیان «فلامینگوی شماره ۱۲» چطور بود؟

اساساً همکاری با آقای علیقلیان مسبب علاقه من به سینما شد. به خاطر شخصیت ایشان، ایشان مهندس هواپیما هستند، علاقه‌شان به شعر و مناعت طبعشان مرا دل‌بسته سینما کرد. تنها ترمیم از ورود به سینما این بود که یک سری آدم‌های ناخوشایند مواجه شوم، ولی خوشبختانه با یک سری آدم‌های بسیار خوشایند مواجه شدم و همان‌ها باعث شدند تا من علاقه‌مند به سینما شوم.

حالا که دیگر چهار تجربه سینمایی در کارنامه خود دارید و با بازیگرانی نظیر کلاب آدینه و رضا کیانیان هم‌بازی شدید و می‌توان گفت سینما برای شما جدی است، خودتان را جزئی از فضای سینمای ایران می‌دانید؟

خودم را از جرنی از سینما نمی‌دانم، خودم را هنرجوی سینما می‌دانم. کسی که در حال مطالعه سینماست و علاقه دارد شناخت بیشتری پیدا کند. حداقل دو سه ماه در میان یک فیلمنامه می‌خوانم و معمولاً هم فیلمنامه‌ها را قبول نکردم، برای اینکه فاسیاد برای کسی دیگری خوب باشد، اما برای من خود نبوده چون چیزی که خیلی در درجاول مهم است، تأملاتی است که در یک اثر هنری جاری دارد. برایم خیلی اهمیت دارد که شخصیت پردازی‌ها و فضا سازی‌ها و پیوند کار چگونه است. اگر آن تأملات و تم فیلم مورد قبولم باشد، با کارگردان و نویسنده وارد گفت‌وگو می‌شوم. موقع فیلم دیگر هیچ بحثی با کارگردان ندارم، حتی پیش از آنکه فیلم منی روم، اما شروع از شروع کار سازایی خوشم بیاید. خیلی متذکر می‌باشم که کارگردان و نویسنده‌اش گفت‌وگو می‌کنم. می‌توانم بگویم سینما برایم یک مقوله بسیار جدی است مثل شعر.

یعنی شعر و سینما همیای همدیگر؟

بله، یعنی در حال حاضر چنین است. امروز که فیلم‌های تاریخ سینما را نگاه می‌کنم، یک جور دگر دیگری نگاه نیست به ۱۰ سال پیش. مثلاً، فیلم «کاپوئی نم‌مشب» با بارها دیده‌شده، امده، امده، امده، امده. مثلاً، به طریاف، دقایق و جزئیاتش نگاه می‌کنم، بیشتر دقت می‌کنم و برایم خیلی جذابیت است. این را هم بگویم که همه کارها را برای رضایت خلودم انجام می‌دهم و اگر به خاطر رضایت خاطر خلودم نباشد، به سمت هیچ‌کدام اینها نمی‌نروم. یعنی همان‌قدر که در شهرک کیم، سکوت‌کنم، عروپ‌ها را تماشااس نوری که بر هر یکی می‌افتد و این هر یکی را در نور تکان می‌خورند و برق می‌زنند لذت می‌برم و برایم جلوه زنده‌ای دارند و با آنها احساس پیوند می‌کنم و برایم جذاب و زندگی بخش هستند، به همین نسبت هنری را هم دوست دارم که برایم این‌گونه باشد و با می چنین کاری کند. اطمینان خاطر هم از همین‌جا می‌آید که دنبال جذابیت‌های پنهان در کارها هستم و امیدوارم که در ادامه راه هم، کارها عروپ پیش برود.

پڑواک

راهی برای حل منازعات منطقه‌ای*



سید حسین
موسویان*

ایران حاضر است با عربستان و مصر و ترکیه که چهار قدرت منطقه‌ای هستند، گفت‌وگو و همکاری چهار جانبه برای حل بحران سوریه داشته باشد. این چهار قدرت می‌توانند براساس اصول زیر بحران سوریه را حل کنند:

- ۱- حفظ تمامیت ارضی سوریه
- ۲- پاک کردن سوریه از لوث وجود تروریست‌ها
- ۳- حمایت از سیستم حکومتی مشارکتی با حضور همه فرقه‌ها اعم از سنی، علوی، مسیحی و کرد.

۴- شرکت‌داران مردم سوریه انتخابات آزاد برای تعیین سرنویست آینده خود... مهم توافق بر سر اصول یک جبران است... دروغ نباید بر سر شخص باشد. اینکه باید باشد یا نباشد، به ایران ربط دارد و نه به عربستان و نه دیگر کشورها، این مردم سوریه هستند که باید از طریق انتخابات آزاد درباره آینده خود تصمیم بگیرند. اگر درباره‌های منطقه‌ای بر سر این اصول به‌ویژه اینکه: اول، نابودی تروریسم؛ دوم، پذیرش سیستم حکومت مشارکت جمعی و سوم، واگذاری حق انتخاب به ملت سوریه توافق کنند و بپذیرند این مردم سوریه هستند که از طریق انتخابات آزاد باید درباره رئیس‌جمهور خود تصمیم بگیرند، بعد از این اصول به عنوان قطع‌نامه شورای امنیت به تصویب برسد. ایران از قطع‌نامه حمایت خواهد کرد. و کاری به این ندارد که چه کسی مخالف است یا موافق... مسئله این هم خیلی آسان‌تر می‌تواند حل شود؛ شما می‌دانید که حوثی‌ها و زیدی‌ها هزار سال بر این حکومت کرده‌اند تا اینکه در سال ۱۹۶۳ مصر به این تجاوز و آنها را از قدرت برکنار کرد. در آن مقطع عربستان متحد حوثی‌ها و زیدی‌ها شد و این اتحاد

هست که علی عبدالله صالح متحد عربستان بود و ضد ایران، تا اینکه دو سال پیش عربستان به حوثی‌ها و زیدی‌ها حمله و آنها هم دست کمک به سمت ایران دراز کردند. ایران به قطعنامه‌های سازمان ملل درباره یمن احترام می‌گذارد. قطعنامه شورای امنیت بر دیپلماسی به‌عنوان راه حل بحران یمن تأکید می‌کند و می‌گوید:

از طریق گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز به یک راه‌حل مرضی‌الطرفین از طریق دیپلماسی می‌رسند. ایران هم از این راه‌حل حمایت می‌کند. عرست‌اند، سوال است: یمن را شش‌هزار و نیمبار می‌کند و یمن را نابود کرده است؛ اما ایران خواسته که برای یمنی‌ها کمک‌های انسانی ارسال کند، سازمان ملل خواهان گفت‌وگوی دو طرف، تشکیل یک حکومت انتقالی و طرح انتخابات است که ایران از این ایده حمایت می‌کند. دکتر روحانی در دور

چشمگیر ملت ایران در انتخابات به‌خوردار شد. در دوران انتخابات گفته به‌نیال ارتقای حقوق شهروندی و اوضاع اقتصادی خواهد بود. او در دور اول موفقیت‌های خوبی داشت، زیرا اوست ساز اقتصادی منفی یک درصد را به مثبت هفت درصد برساند و تورم ۴۰ درصدی را به ۹ درصد کاهش داد؛ اما در روابط خارجی، دولت ایران یک طرف مجارست. اف‌اِس برای گفت‌وگو و همکاری و دیپلماسی با همسایگان باز است؛ اما ایران یک طرف سکه است و طرف دیگر سکه عربستان و سایر همسایگان یک‌سویه خلیج فارس هستند. ایران آماده است با آنها بنشیند و درباره نگرانی‌های دو طرف، شیوه رفع نگرانی‌ها، تعریف یک ساختار جدید همکاری در منطقه و تشکیل یک سیستم همکاری منطقه‌ای گفت‌وگو و تفاهم کند. باید دید آیا عربستان و سایر همسایگان آمادگی متقابل دارند یا خیر.

✱ معاون سابق شورای امنیت ملی
✱✱ برگرفته از گفت و گو با الجزیره

پیامت



عکس: کاوہ بغدادچی، شرق

الهه کولایی در گفت و گوبا «شرق» مطرح کرد:

حل چالش‌های منطقه‌ای با دیپلماسی برد-برد

سه کشور، از جمله کشورهای بازمانده از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هستند که گسترش روابط با آنها می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای متقابل باشد. از آنجا که ایران، آستانه و بیشک، روابط حسنه‌ای با فدراسیون روسیه دارند. توسعه روابط ایران و روسیه، به نوبه خود می‌تواند عرصه‌های همکاری سازنده متقابل ایران با این کشورها را گسترش دهد. در عین حال نباید از نظر دور داشت حضور فعال و کارآمد این کشورها در این کشورها، ضمن آنکه می‌تواند پاسخ‌گوی منافع مردم کشور ما باشد و عرصه‌های اقتصادی- تجاری و همکاری‌های همه‌جانبه را در روی جامعه ایران در مسیر تأمین منافع متقابل بگشاید، در همان حال ضرورت تقویت روابط و یک‌درد اعتدال در سیاست خارجی کشور ما را نیز به نمایش می‌گذارد.

در ۲۵ سال گذشته، پس از استقلال این کشورها، توسعه روابط با آنها از یک رویکرد متعادل و پایدار برخوردار نبوده است، در حالی که تاریخ و جغرافیا همگی می‌کند که ما با همسایگان شمالی خود روابطی همه‌جانبه و گسترده را سامان دهیم. این روابط، تعادل در روابط خارجی ایران را تحکیم می‌بخشد. از آنجا که در شرایط کنونی در مرزهای شرقی و غربی کشور بحران‌ها و ناآرامی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در حال گسترش است، توسعه روابط با کشورهایی که در حوزه تمدنی ایران قرار گرفته‌اند، می‌تواند زمینه‌های تقویت همکاری‌های منطقه‌ای را استحکام بیشتری ببخشد. برخی از این کشورها عضو سازمان همکاری اقتصادی (اگو) هستند و ضرورت توسعه همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در کنار روابط صمیمی یادآور می‌شوند. عضویت قزاقستان و قزیزستان در سازمان شانگهای، اهمیت آنان را روشن‌تر می‌کند.

کاخ چقدر حضور رئیس‌جمهور و دکتر ظریف در چهار سال گذشته در نشست‌های بین‌المللی و ولای‌های چین، ظرفیت سر مسائل منطقه‌ای و خطرناک‌ترین تفسیری برای همه جهان را داشته است؟ حضور رئیس‌جمهور در اجلاس عمومی سازمان ملل، از دو جهت با سفرهای دیگر رؤسای جمهوری ایران تفاوت داشت. از یک سو بعضی سیاست‌های اشتباه سال‌های قبل از دولت پانزدهم، شرایط اقتصاد ایران را پائین‌آورد کرده بود. از سوی دیگر منطقه و جهان در چند سال اخیر با تغییرات گسترده‌ای مواجه‌اند، سبب تغییراتی که حتی قدرت بازیگران بزرگ عرصه جهانی را هم تحت‌تاثیر قرار داد. حسن روحانی در چنین شرایطی به‌عنوان نماینده مردم ایران به اجلاس‌های جهانی رفت. تجریبات داخلی و بین‌المللی ایشان

تحولات اخیر، معادله روابط کشورهای منطقه با جهان را به سوی در نظر گرفتن سازوکارهای جدید پیش می‌برد. سازوکارهایی که بتواند روابط کشورهای منطقه و جهان را به گونه‌ای بهبود بخشد که منافع همه طرف‌ها تأمین شود. انتخاب مجدد دکتر روحانی به‌عنوان رئیس جمهوری که بر اجرای سیاست‌های تنش‌زدا و اعتدالی تأکید دارد و تأیید مقام معظم رهبری فرصت‌های جدیدی پیش‌روی ایران قرار داده است

باعث شد ظرفیت‌هایی در این دیدارها و نشست‌ها برای ایران فراهم شود که نمونه آن در بهار چارمسیدین برجام و حتی مسائل منطقه‌ای در زمینه سوریه، لبنان، عراق و... دیده شد. به هر حال مجموعه تحولاتی که در چند سال اخیر در منطقه به وقوع پیوسته، نشان می‌دهد شرایط نیازمند توجه جدی است. این تحولات معادله روابط کشورهای منطقه با جهان را به سوی در نظر گرفتن سازوکارهای جدید پیش می‌برد. سازوکارهایی که بتواند روابط کشورهای منطقه و جهان را به گونه‌ای بهبود بخشد که منافع همه طرف‌ها تأمین شود. انتخاب مجدد دکتر روحانی به‌عنوان رئیس جمهوری که بر اجرای سیاست‌های تنش‌زدای و اعتدالی تاکید دارد، تأیید معظم مظهری برای این اجزای این سیاست‌ها و شرایط منطقه و جهان، باعث شده فرصت‌های جدیدی پیش‌روی دیپلماسی ایران قرار گیرد و با وجود تلاش‌های برخی کشورها برای احیای «ایران‌هراسی» این مسئله با موانع جدی مواجه باشد.

عربستان سعودی و هم‌پیمانش تلاش می‌کنند با استفاده از ظرفیت‌های مالی خود و البته نیاز رئیس‌جمهور جدید ایالات متحده به فرافکنی مشکلات داخلی این کشور، ایران را تحت فشار قرار دهند. شرکت ۴۲ میلیاردی ایرانیان در انتخابات و آرای ۲۴ میلیاردی دکتر روحانی تا حد جدی می‌تواند این فضا را تغییر دهد؟

همان‌طور که در سؤال قبل اشاره کردم ایران هراسی و مابهرن از ایران یک به عنوان تهدید منطقه‌ای و جهانی، با انتخابی مجدد دکتر روحانی، با یک ضربه دیپلماتیک و محکم مواجه شد. این وجه استیلا با مرجعیت و نیازمند رویکرد ایجابی است. دولت یازدهم نشان داد می‌توان با تأکید بر سیاست‌های دیپلماتیک و البته اهرم تیم متخصص مذاکره‌کننده و آشنا به حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، دشمنان ایران را تا حد زیادی ناکام گذاشت اما یک ضعف تا حدی وجود داشت و آن ارتباطات رئیس‌جمهور با استادان و چهره‌های صاحب‌بده‌گاه در حوزه سیاست خارجی بود. اگر در این

انتخاب دکتر حسن روحانی با آرای قاطع ۲۴ میلیونی مردم ایران، سبیل پایبادهای خارجی را به دنبال داشت و حتی آرای برخی کشورهای عربی و رئیس جمهور ترکیه نیز از این سنت پیروی کردند. آرا بعد از به سرانجام رسیدن نهمین، نوبت به حل مسائل پیچیده منطقه که اتفاق ماهیتی بین المللی پیدا کرده، رسیده است؛ این سؤال، موضوع گفت و گو «شرق» با الهه کولایی استاد دانشگاه تهران و نماینده مجلس ششم است.

گفته می‌شود بعد از به نتیجه رسیدن پراجام به عنوان موضوعی که بیش از دو سال، انرژی وزارت خارجه در دولت اول دکتر روحانی را گرفت، حالا رئیس‌جمهور می‌تواند با تکیه بر آرای بالای خود و البته بهبود شرایط ایران در فضای جهانی، به سراغ منطقه برود. با توجه به کارشناسی‌های اعراب و تکریم در سال‌های اخیر در زمینه سیاست‌های ایران، فکر می‌کنید کشورهای منطقه آمادگی حل مسائل قبیضین را دارند؟

کشورهای مختلف آسیا تحت تأثیر تحولات بین‌المللی، گرایش به همکاری‌های منطقه‌ای را از خود نشان داده‌اند. شاید یکی از دلایل ایجاد و تقویت سازمان‌های منطقه‌ای در سال‌های اخیر همین باشد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز معمولاً نسبت به رویکردهای منطقه‌ای حداقل درباره سازمان‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای نگاه مثبت داشته است. این‌گونه پیمان‌های منطقه‌ای، ظرفیت‌های تازه‌ای را حتی در روابط دوجانبه ایجاد می‌کند. قبلاً بارها بر لزوم وجود موازنه مثبت میان ایران و کشورهای منطقه تأکید کرده و گفته‌ام اگر ایران بتواند روابط سازنده و مبتنی بر احترام متقابل با غرب به‌ویژه آمریکا داشته باشد نگاه روسیه، چین و کشورهای منطقه نیز نمی‌تواند با امید به این شکاف، از کارت ایران برای منافع خود استفاده کند. در دولت گذشته که شرایط روابط ایران با غرب، به سمت تنش پیش رفته بود، ما شاهد بدقولی‌های مداوم روس‌ها در زمینه راه‌اندازی نیروگاه بوشهر یا تحویل سامانه دفاع موشکی اس-۳۰۰ بودیم. فراموش نکنیم در دوره‌ای که ادعای جایگزینی نگاه چرخش به شرق به جای غرب مطرح بود، ایران همواره خواستار عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای بود. ولی نکته مهم این بود که دو عضو مهم این سازمان یعنی چین و روسیه، ایران را در حد عضو ناظر در این سازمان پذیرفتند. موضوعات هند و پاکستان، مسائل ایران و ارتباط با آمریکا و وضع تحریم‌ها و تنش‌هایی که با جامعه بین‌المللی وجود داشت باعث می‌شد آنان تمایلی به عضویت دائم ایران در سازمان نداشتند. اما در این دوره به‌ویژه بعد از برجام، می‌بینید که فضا تا چه حد تغییر کرد. شاید روی کار آمدن ترامپ، نگرانی‌هایی را در زمینه روند بهبود روابط با غرب پدید آورده باشد اما استقبال اروپا و حتی بعضی کشورهای عربی از رای بالای دکتر روحانی نشان می‌دهد ایران ظرفیت‌های تازه‌ای را در حوزه‌های مختلف دیپلماتی می‌تواند فعال کند.

❧ و حالا فرصت برای ورود به دروازه منطقه‌ای وجود دارد؟

بهبود رابطه با جامعه جهانی و به‌ویژه قدرت‌های غربی، امکان چانه‌زنی و تعامل با کشورهای منطقه در راستای تأمین منافع ملی ما را افزایش می‌دهد. شعار آقای دکتر روحانی، اعتدال در سیاست خارجی بود که البته این در زمره اصلی‌ترین شعارهای جمهوری اسلامی از بدو تأسیس هم بوده، اما در برخی مقاطع دولت‌ها به آن بی‌توجهی کرده‌اند که نمونه آن را در دولت احمدی‌نژاد دیدیم. «نه شرقی نه غربی» یعنی عدم اتکا به قدرت‌هایی که در شرق یا غرب سیاسی حضور دارند. یعنی ما اگر در رابطه با غرب به دنبال تعامل و ارتباط منافع‌محور هستیم درباره چین و روسیه و اعراب و ترکیه هم چنین باشیم. برخی نگاه‌های وهم‌آلود در سیاست خارجی ایران‌پایان ملاحظات و اهداف و منافع کشورهای بلوک شرق، باعث شد فرصت‌های بسیاری از دست برود و شرایط ما در منطقه نیز دچار تنش‌ها شود. امروز با وجود گره‌هایی که در منطقه وجود دارد، ظرفیت حل مسائل هم افزایش یافته است. به هر حال در مسائل سیاست خارجی، اجماع شرط اساسی است و دکتر روحانی هم در مبارزات انتخاباتی در مورد مذاکره درباره تحریم‌های غیرهسته‌ای بر اهمیت ایجاد این اجماع تأکید کرد. مقام معظم رهبری در مقاطع مختلف از سیاست‌های خارجی دولت یازدهم دفاع و حمایت کردند تا به مردم در داخل کشور و به جهان این پیام را بدهند که سیاست‌های حسن روحانی و تیم سیاست خارجی این دولت مورد تأیید و حمایت ایشان است. این رویکرد درباره سیاست‌های منطقه‌ای هم امری ضروری است.

کشورهای غیرعرب و منطقه قفقاز چه نقشی در ثبات منطقه ایران دارند؟

دکتر روحانی سال گذشته به کشورهای قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی سفر کرد. این کشورها حتما دارای ظرفیتهای ویژه بهخصوص در حوزه اقتصادی برای ایران هستند. کشورهای ارمنستان، قزاقستان و قرقیزستان (که سابقا عضو شوروی بودند) از آسیای مرکزی و آسیای غربی و قفقاز جنوبی به جنوب شرقی ایران متصلند. این منطقه دارای ظرفیتهای بسیار زیادی است. این منطقه را می‌توان به عنوان یک منطقه تجاری، مرادف سیاسی و اجتماعی با تهران برخورد کرد. این منطقه را می‌توان به عنوان یک منطقه تجاری، مرادف سیاسی و اجتماعی با تهران برخورد کرد. این منطقه را می‌توان به عنوان یک منطقه تجاری، مرادف سیاسی و اجتماعی با تهران برخورد کرد.